

## ایزابل لیماری در گفتگو با

## مارسل خلیفه

■ در کودکی به چه نوع موسیقی گوش می‌کردید؟

مارسل خلیفه: پدر بزرگ پدری‌ام، بنایی بود که خوب نی می‌زد و صدایی خوش داشت. وقتی بچه بودم از دوشش بالا می‌رفتم و منگوله کلاه او را با وزن آوازهای لبنانی که می‌خواند تکان می‌دادم. نواهای لطیفی که او در جمع خانوادگی از نی‌اش بیرون می‌آورد مرا سرشار از شادی می‌کرد.

در خیابانهای دهکده‌ای که در آن به دنیا آمده بودم، کولپها به نوا «بوزوک» - که یک ساز زهی بود - و طبل می‌رقصیدند و می‌نواختند. پدر و پدر بزرگم آنها را برای خوردن نوشابه دعوت می‌کردند و آن وقت تازه شادمانی آغاز می‌شد. پدر بزرگم با آنها همراهی می‌کرد. من همیشه چنین فرصتهایی را مشتاقانه انتظار می‌کشیدم و دلم می‌خواست آوازهایشان را یاد بگیرم.

عموم یک گرامافون به من داد و این، همه‌گونه امکان را برای گسترش دید موسیقایی‌ام به من داد. من به موسیقی بتون، موتسارت و دیگر آهنگسازان کلاسیک و نیز آوازهای درویش، موسیقیدان مصری، و صفحات پر شده توسط برادران رهبانی، که اصلاً لبنانی بودند و بسیاری آهنگهای دیگر گوش می‌کردم.

موسیقی مذهبی نیز تأثیر زیادی بر من گذاشت. آواز تک صدایی بسیار زیبایی در کلیسای الیشای قدیس طنین‌انداز بود: آواز برادران ماریست که سرشار از ملودیهای چندصدایی بود. من جزو دسته‌کر بودم، که با یک آکارتون همراهی می‌شد. و البته، به صدای پر قدرت مؤذن گوش می‌دادم که از مسجدی در آن نزدیکی می‌آمد.

از آواهای دهکده خاطرات بسیاری دارم، و در آهنگهایم می‌کوشم تا آنها را که عمیقاً در

وجودم خانه کرده‌اند، زنده کنم.

■ المیادین را چه وقت تشکیل دادید؟

م. خ. : تازه تحصیلاتم را در کنسرواتوار ملی بیروت تمام کرده بودم که جنگ درگرفت. من در این فکر بودم که آیا در این شرایطی که مرگ بر همه جای کشور سایه افکنده ساختن موسیقی معنا دارد. اما در پی راهی نیز بودم تا خود و دیگران را از وحشتی که پیرامونمان را گرفته بود رهایی بخشم. من اعتراض را در موسیقی‌ام گنجاندم. موسیقیدانهای دیگر را دور خود گرد آوردم و کار با المیادین (جمع میدان، جایی که جشنها و مراسم روستایی در آن برپا می‌شود) را شروع کردم. ما در بیشتر مناطق جنگ‌زده دنیا برنامه اجرا کرده‌ایم. موسیقی ما بر فراز غرش توپها سر بلند می‌کرد، و دلم می‌خواست که از این راه توانسته باشیم روانهای خسته را تسکینی داده باشیم. به این ترتیب همچنین از روی صحنه سالنهای دنیا توانستیم با زبانی غیر از زبان خشونت با دیگران ارتباط برقرار کنیم.

■ به نظر شما عود در موسیقی امروز عرب چه نقشی دارد؟

م. خ. : تحول موسیقی عرب ما را بر آن می‌دارد تا به تعریف کارکردها و امکانات سازهایمان بپردازیم. چگونه می‌توانیم آنها را به نحوی مورد استفاده قرار دهیم که هم اصیل باشند هم مدرن؟ برای نسلهای معاصر و آینده در زمینه موسیقی چه شیوه‌هایی را باید در پیش بگیریم. چرا نباید روشهای خود در آهنگسازی و شگردهای نواختن عود را مورد تجدیدنظر قرار دهیم؟ چطور می‌توانیم این ساز را تواناتر کنیم؟ من می‌کوشم تا برای این ساز خانواده‌ای قابل‌قیاس با سازهای زهی اروپایی مثل ویلن، ماندولین یا بالالایکا به وجود آورم. مثلاً می‌توان

دسته آن را به نحوی بزرگ کرد که بتواند تا دوازده سیم داشته باشد و امکاناتش بیشتر شود. آیا می‌شود عود را به جای مضراب با پنجه نواخت؟ با تغییر اندازه بدنه یا کاسه ساز یا دراز کردن دسته، چه نواها یا طنین‌های تازه‌ای می‌توانیم از آن درآوریم؟ همچنین، با کمک سیمهای کلفت‌تر شبیه گیتار باس، و با کنار گذاشتن سیم‌های دوتایی، می‌توانیم یک عود باس به وجود بیاوریم. این تغییرات، آهنگسازی برای عود را دگرگون می‌کند. در «جدل» آخرین آهنگی که ساخته‌ام، که نوعی دوئه یا مکالمه بین دوساز است، کوشیده‌ام بعضی از این تجربیات را به کار ببرم. این دو عود در جمع سازهای دیگر هر یک کوک و طنین مشخص و جداگانه‌ای برای خود دارند. از آنجا که پیشنهاد شیوه‌های تازه را من داده بودم، مجبور بودیم که مدت درازی را تمرین کنیم.

■ در حال حاضر چه می‌کنید؟

م. خ. : المیادین همچنان به سفر بین‌المللی‌اش ادامه می‌دهد. ابتدا در لندن، بعد در تونس و ژاپن. ضبط سه تا از آهنگهایم به نامهای «مرثیه برای شرق»، «سمفونی بازگشت» و «کنسرتو برای عود و ارکستر» به زودی پخش خواهد شد. آهنگ «جدل» در لبنان به بازار خواهد آمد. همچنین دفتر راهنمایی برای عود که حاوی شکل‌های نوین آهنگسازی برای تکنوازی عود، دوئه، تریو و کوارتت خواهد بود.

■ جدل حاوی کنترپوان‌های پیچیده و هارمونی‌های گهگاه خلاق انتظار است. اینها اثر طبع خود شماست یا بهره‌گیری از تکنیکهای مشابهی است که در موسیقی سنتی عرب یافته‌اید؟

م. خ. : هارمونی و کنترپوان از قدیم در موسیقی عرب وجود داشته است. این خلدون مورخ قرن



مارسل خلیفه، متولد لبنان، یکی از بزرگترین استادان عود و زنده‌کننده موسیقی سنتی عرب است. گروه او، المیادین (مارسل خلیفه: عود، شاربل روحانه: عود، علی‌الخطاب: ریق، عبود السعدی: گیتار باس)، هم‌اکنون در حال یک سفر هنری بین‌المللی است. سمت چپ، مارسل خلیفه در حال اجرای کنسرت (پاریس، فوریه ۱۹۹۶).

سنت‌های موسیقی خودشان را، به غنای فرهنگ ملی خود کمک بزرگی کرد. موسیقی مرز نمی‌شناسد.

موسیقی من تحت نفوذ تأثیرات گوناگونی شکل گرفته و من پذیرای هر چیز زیبا و تازه‌ای هستم که موسیقی نقاط مختلف دنیا می‌تواند برایم به ارمغان آورد. اما نقطه شروع کار من یک زبان باستانی است، و آن سنت موسیقی لبنانی است. من در پی ایجاد توازن بین دو گرایشی هستم که موسیقی عرب را تهدید می‌کند: در یک سو محافظه‌کاری افراطی، که با هرگونه تغییری مخالف است، و در سوی دیگر مدرن‌گرایی افراطی که می‌کوشد تا از سنتها ببرد. موسیقی مرا به‌طور کلی موسیقی کلاسیک عرب به حساب می‌آورند، ولی از نوع تازه‌اش. ■

عرب حرکتی صورت نگرفت. «جدل» بازتاب‌دهنده دلبستگی من به موسیقیهای گوناگون است. در آن کوشیده‌ام افق‌های تازه‌ای را بگشایم، اما با چشم‌اندازی آشنا به عنوان نقطه آغاز برای خودم. من در عین حال که به سوی شکل‌های بیانی و مفاهیم زیبایی‌شناختی نوین گرایش داشتم، از «مقامات» و ضرب‌های سنتی عربی الهام می‌گرفتم. جدل، ترکیب‌بندی بسیار ساده است که محدودیتهای تحمیل شده بر عود را نادیده می‌گیرد.

■ موسیقی شما گاهی یادآور «موت» ها و «مادریگال»های دوران رنسانس است. آیا این به آن دلیل است که گیتار از عود نسب برده و برخی از سنت‌های اروپایی برخاسته از سنت عرب - اندلسی است یا از سوی شما یک انتخاب دلبخواه بوده است؟

م. خ.: بین موسیقی شرقی و غربی همیشه نوعی مبادله برقرار بوده است. از لحاظ موسیقی، ملودی، ضرب و سنت‌های موسیقایی و فرهنگی به‌طور کلی، نمی‌توان فرهنگها را در یک نظم سلسله مراتبی قرار داد. آهنگسازانی چون بورودین، موسورگسکی، ریچسکی - کورساکف، بارتوک، راول، سن - سانس و دبوسی در ژرفای موسیقی عامیانه ملتهای شرق کاوش کرده‌اند. مثلاً «لید» آلمانی، ریشه در «موشح» عربی دارد که یک قطعه سازی است. حتی ترکیب‌بندی سمفونیک هم از موسیقی عرب تأثیر پذیرفته است. از سوی دیگر آهنگسازان بزرگ شرقی، مثل آرام خاچاتوریان، که هم سنت‌های موسیقایی غرب را می‌شناخت و هم

چهاردهم عرب، در فصلی از مقدمه، که به موسیقی اختصاص دارد، به توصیف گروهی موسیقایی می‌پردازد مرکب از یکصد ساز عجیب، از جمله سازهای بادی چوبی، برنجی، سازهای زهی پنجه‌ای یا کمانی، سازهای ضرب‌بای و غیره، که همه چون یک ارکستر سمفونیک با هماهنگی کامل می‌نواختند.

اما موسیقی عرب، مثل همه انواع دیگر موسیقی، تحت تأثیر عوامل گوناگونی بوده است. وقتی من کار مطالعه موسیقی را آغاز کردم، تکنیک‌های تحلیلی موسیقی غربی را در مورد شکل‌های متفاوت موسیقی سنتی عرب به کار گرفتم. دریافتم که این شکلها پیش از آنکه به اروپا راه یابند به درجات خاصی از کمال رسیده بودند. در قرن نهم میلادی مدارس موسیقی دایر بوده: آهنگساز و آوازخوانی چون زریاب، رهبر دسته نوازندگان دربار قرطبه (کوردبا)، نخستین کنسرواتوار موسیقی را در اندلس تأسیس کرد.

■ آهنگسازان عرب آینده موسیقی‌شان را چگونه می‌بینند؟

م. خ.: یکی از مسائل مطرح امروز ما این است که ما اکنون تا چه حد از ارزش میراث موسیقی خود مطلع هستیم. مطالعه دوباره آن چیزهای زیادی به ما می‌آموزد که برای آینده سودمند خواهد بود. اگر موسیقی ما به پیشرفتش ادامه داده بود، چنانکه زمانی در اندلس چنین بود، امروز وضعمان عالی بود. سقوط اندلس موجب وقفه عظیمی در این پیوستگی شد. پس از آن تا مدت‌ها در دنیای بسته موسیقی

۱. مارسل خلیفه / المیادین «جدل» - دنووازی با عود  
Box of 2 CDs  
Nagani Records NR 1009  
PO Box 820706  
Houston, TX 77282-0706 U.S.A.

ایزابیل لیباری  
موسیقی‌شناس فرانسوی - امریکایی که اخیراً کتاب  
از تانگو تا رگه: موسیقی سیاه از امریکای لاتین و منطقه کارائیب  
Du tango au reggae, Musiques noires d'Amérique latine  
et des Caraïbes (فلاماریون، پاریس، ۱۹۹۶)